

را به این کشور و دولت آن وصل نکنند. هر جا که مسئله حقوق اجتماعی، سیاسی و مدنی سیاهپوستان مطرح است آنها با رژیمهای دست نشانده، فاسد و سرکوبگر بانتوستانها طرف هستند. در این زمینه آنها فقط حق زندگی نکبت بار بانتوستانها را میتوانند مطالبه کنند. در آفریقای جنوبی آنها خارجانی بحساب میآیند که برای کارکردن کنترالی به آن کشور رفته‌اند. بمجرد اتمام دوره کنترات در آفریقای جنوبی مجبور به بازگشت به کشور "مستقل" خودشان یا بقول خود سیاهپوستان "زباله‌دانی انسانها" هستند و هیچگونه حقوق واقعی مدنی و شهروندی و سیاسی از حکومت آفریقای جنوبی نمیتوانند بخواهند. آنها خارجی هستند و جای مطالبه این حقوق بانتوستان مربوطه است. با این قوانین حقوق سیاهپوستان در مملکت خودشان حتی کمتر از حقوقی است که برای توریستها و مسافرین در اغلب کشورهای جهان برسمیت شناخته شده است.

شهروندان دورگه و هندی‌الاصل - در آفریقای جنوبی ۲/۷۷ میلیون نفر بقول مقامات دولت آپارتاید رنگین پوست (دورگه‌ها) و ۸۷۰/۰۰۰ نفر هندی‌الاصل وجود دارد. رژیم آپارتاید دیگر برای این بخش از جمعیت نمیتوانست سرزمین بومی و بانتوستان بتراشد. از طرف دیگر این بخش از جمعیت آفریقای جنوبی نسبت به سیاهپوستان بیشتر جذب جامعه سفیدپوستان شده و جدا کردن کامل آنها از نظام اجتماعی و اقتصادی موجود غیر ممکن است. طرح مقامات آپارتاید از نظر سیاسی برای این ۳/۵ میلیون نفر از جمعیت کشور حفظ تبعیضات نژادی در چهارچوب یک دولت سه پارلمانی بود. یک پارلمان برای سفیدان، یکی برای

رنگین پوستان ویکی هم برای هندیها. هر کدام از این نژادها برای پارلمان خود میتوانند رای بدهند. البته پارلمانهای دورگه و هندی نقش مشورتی دارند. بعلاوه تعداد آراء نمایندگان در پارلمانها طوری است که دو پارلمان اخیر عملاً نمیتوانند حتی از نظر مشورتی اکثریت رای را بدست آورند. یک خیمه شب بازی دیگر به تمام معنی برای توجیه و تداوم آپارتاید.

بالاخره افتضاح انتخابات این پارلمانهای فرمایشی هم درآمد. در انتخابات ۱۹۸۴ برای دو پارلمان اخیرالذکر از هر ۱۰۰ رنگین پوست صاحب رای ۱۸ نفر و از هر ۱۰۰ هندی الاصل صاحب رای فقط ۱۶ نفر شرکت کردند. وضع طوری شد که خود مقامات دولتی هم اعلام نمودند که این طرح موفق نبوده است.

تصویب واعلام قوانین آپارتاید طبعاً قوانینی که نظارت بر اجرای آنها راممکن گرداند لازم داشت این قوانین تحت نام قوانین عبور و مرور* تصویب و به اجرا گذاشته شد. همه چیز از اکثریت سیاهپوست این مملکت گرفته شده آنها و در دل کشور خودشان تبدیل به خارجی شده بودند. قوانینی لازم بود تا قانونیت عبور و مرور و حضور سیاهپوستان در مناطق مخصوص سفیدان یعنی ۸۷٪ از کل آفریقای جنوبی را مرتباً چک کند. این یکی از سیاهترین و نفرت آورترین جنبه های عملی آپارتاید است که برآستی وجدان هرکسی که ذره ای از شرف و انسانییت بوبرده باشد را می آزارد.

از سال ۱۹۴۸ با اینطرف مجموعه ای از قوانین خرد و کلان برای کنترل عبور و مرور و سکونت سیاهپوستان در مناطق سفید وضع گردیدمانند که به

آنها قوانین عبور و مرور میگویند. مطابق این قوانین (که اساس آنها را کمیسیون فگان* در سال ۱۹۴۸ ارائه نمود) پلیس و مقامات دولتی حق دارند از هرکسی در هر نقطه‌ای از کشور بخواهند که علت وجود و حضور خود در آن نقطه را با اتکاء به سند معتبر عبور توضیح دهد. سیاهپوستان فقط در صورتیکه ورقه اشتغال در کارخانه‌ها و نهادهای تولیدی سفیدپوستان را در دست داشته باشند در همان منطقه هم حق عبور و مرور دارند. بهمین منظور هم در صورت خواست پلیس باید کارت شناسایی و عبور مخصوص را نشان بدهند. در صورتیکه سیاهپوستی بدون این توجه قانونی در یک منطقه غیر از بانتوستان خودش یافت شود به پرداخت تا ۲۵۰ پوند (تقریباً معادل ۳۸۰۰۰ تومان) جریمه نقدی، ۶ ماه زندان و یا هر دو محکوم خواهد شد. پس از پرداخت جریمه یا طی دوره زندان فرد مذکور تحویل بانتوستان مربوطه داده میشود. مطابق این قانون قریب چندین میلیون کارگر سیاهپوست که در مناطق سفید پوست کار میکنند حق همراه بردن خانواده خودشان را ندارند میلیونها کارگر مرد سیاهپوست در کنار معادن و کارخانه‌ها در ساختمانهایی مانند سربازخانه و در اطاقهای ۱۰، ۲۰ نفره جدا از همسر و فرزندان شان زندگی نکبت باری را گذرانده و برای تامین زندگی بخور و نمیری برای خود و خانواده‌شان، که اغلب در بانتوستان مقیم هستند، در کارخانه‌ها و معادن متعلق به اقلیت سرمایه دار جان میکنند. از اول فوریه ۱۹۵۸ تمام مردان سیاهپوست و از اول فوریه ۱۹۶۳ تمام زنان

* FAGAN

سیاهپوست هم مطابق این قوانین محکوم و مجبور به ارائه ورقهای عبور یا "دفترچهای شناسائی" شده و ملزم شدند که به این قوانین گردن نهند.* چه خانوادههایی که در اثر وجود این قانون منحوس از هم نپاشیدند. چه هفتهها و ماههایی که پدران و مادران سیاه در آرزو و حسرت دیدار همسر و فرزندان در شبه سربازخانهها شب را به صبح تیرهتر از آن نرساندند. میلیونها کودک در حسرت و فقدان محبت پدری و مادری بزرگ شدند و ... برای آشنائی با عمق این فاجعه بد نیست به آمار زیر که تعداد دستگیر شدگان تحت این قانون در ۹ سال

* پیاده کردن قوانین عبورومرور بعد از سال ۱۹۴۸ بمعنی کوچاندن دهها هزار کارگر کشاورزی سیاهپوست بود که ورقهای رسمی استخدام نداشتند. این کار برای مدتی مزرعه‌داران سفیدپوست را با کمبود کارگر مواجه کرد. در مقابل دولت طرحی را گذراند که مطابق آن مجرمین "سبک پرونده" بجای گذراندن دوران زندان برای بیگاری کردن به مزارع سفید پوستان فرستاده میشدند. رئیس زندانها در فوریه ۱۹۵۹ گفت: "اداره زندانها کانون توجه کشاورزان شده است ... همه آنها از ما کارگر میخواهند. اما ما نمیتوانیم به همشان برسیم. ولی هر چه در قدرتمان هست انجام میدهیم که پاسخگوی وضعیت اضطراری [کمبود کارگر- م] باشیم."

بنابراین آمار دولتی در سال ۱۹۷۹ هنوز ۲۰ مزرعه در کیپ غربی و برخی نواحی ترانسوال وجود داشتند که از زندانیان برای کار در مزرعه و بیگاری استفاده میکردند. (۳)

گذشته را نشان میدهد نگاهی بیندازیم.

سال	دستگیرشدگان	سال	دستگیرشدگان
۱۹۷۵-۶	۳۸۱۸۵۸	۱۹۸۰	۱۵۸۳۳۵
۱۹۷۶-۷	۲۹۷۳۷۴	۱۹۸۱	۱۶۲۰۲۴
۱۹۷۷-۸	۲۷۹۹۵۷	۱۹۸۲	۲۰۶۰۲۲
۱۹۷۸-۹	۱۶۲۰۵۴	۱۹۸۳	۲۶۲۹۰۴
		۱۹۸۴	۱۶۳۸۶۲

در مجموع در ۹ سال از ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۴ قریب به ۱/۹ میلیون نفر بخاطر این "جرم" دستگیر شده‌اند.

خلاصه کنیم. طرح و اجرای قوانین آپارتاید اقدامی آگاهانه از جانب بورژوازی در آفریقای جنوبی برای فیصله دادن پروسه سلب مالکیت و ایجاد نیروی کار بسیار ارزان و وسیع میلیونها کارگر سیاهپوست در مدتی کوتاه بود. این نظام با تکیه بر و در ادامه و گسترش قوانین تبعیض نژادی و جداسازی نژادهای مختلف تحت حاکمیت و برتری مطلق سفید پوستان در دوره قبل از ۱۹۴۸ پا گرفت. عملکرد این نظام در دوره‌ای برای سرمایه‌داری در آفریقای جنوبی بسیار مطلوب و سودآور بود. وجود میلیونها کارگر سیاهپوست که بطور قانونی و واقعی فاقد

کمترین حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی بودند، و چاره‌ای بجز فروش نیروی کارشان به ارزان‌ترین قیمت به سرمایه‌داران نداشتند برای سه دهه پس از جنگ دوم جهانی آفریقای جنوبی را تبدیل به بهشتی برای سرمایه‌داری جهانی کرده بود. قوانین جورواجور و عملکرد این نظام اکثریت قاطع مردم آفریقای جنوبی را از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی و بشری محروم کرده مورد ستم و استعمار وحشیانه قرار داده است .

www.KetabFarsi.com

فصل دوم: نتایج عملکرد آپارتاید

اثرات اجتماعی

شاید نتایج و عملکرد آپارتاید در زمینه اجتماعی بیش از هر جنبه دیگر آن مورد بحث و تبلیغ مخالفین این نظام قرار گرفته باشد. کمتر انسانی است که بالاخره وجهی از بی‌حقوقی سیاهپوستان و رفتار سازمانیافته غیر انسانی که با آنها میشود را نشنیده و دستکم در دل ناسزائی نثار بالیان این نظام و عاملین فعلی آن نکرده باشد. توسعه جداگانه نژادها (یعنی آپارتاید) در خود عمیقاً یک تفکر و ایده ضدبشری و ارتجاعی است. ولی وقتی این ایده در شرایطی که بیست درصد جمعیت (یعنی سفیدپوستان) تقریباً تمام زمینهای حاصلخیز، معادن، کارخانها و موسسات توزیع و خدمات را در مالکیت خود دارد، هشتاد درصد جمعیت را تحت انقیاد و استثمار خود در آورده،

دولتی برای رفق و فتق و حفظ این نظام ساخته و ارتش و پلیس برای خفه کردن هر ندای اعتراضی گردآورده، به اجرا در میآید معنی جز ستم روزافزون یکی از این نژادها بر دیگران ندارد.

علیرغم تمام "رقمهایی" که بویژه در سالهای اخیر در آفریقای جنوبی صورت گرفته هنوز هم قوانین و عملکرد نظام آپارتاید در سراسر این کشور به قرار زیر هستند: ادارات دولتی، شعبات اداره پست و حتی کلانتری ها و ادارات پلیس برای مراجعین سفید و سیاه یا تماما مجزا هستند و یا طوری تفکیک شده اند که باجهائی ویژه سرویس دادن به سفیدپوستان و باجهائی برای رسیدگی به کار سیاهپوستان عمل میکنند. استفاده از تالارهای شهر، کتابخانه ها، پارکها، تئاترها، سینماها، هتلها، رستورانها، کافه ها و کلوبهایی که در مناطق سفید پوست قرار دارند (یعنی تمام یا بهترین امکانات زندگی مدنی موجود در آفریقای جنوبی) برای سیاهان ممنوع است. در واگنهای قطار، اتوبوسها و سرویس تاکسی تفکیک سفیدپوستان از سیاهپوستان وجود دارد. تاکسیهای مخصوص سفیدپوستان سیاهان را حتی در صورت بیماری شدید و برای رفتن به بیمارستان سوار نمیکند. درنهادها، کلوبها و تیمهای ورزشی سفیدان سیاهان را راه نمیدهند. اخیرا یک غیر سفید که جرات کرده بود در سواحل دریای مخصوص سفیدان شنا کند مورد مواخذه و پیگرد قرار گرفت. در یک کلام در آفریقای جنوبی بهر جنبه از زندگی اجتماعی و مدنی که نگاه کنید نشان و نکبت آپارتاید و نابرابریهای ناشی از آن بوضوح قابل رویت هستند. بد نیست در این بخش نگاهی دقیقتر به مسئله بهداشت، آموزش و پرورش و مسکن، عمدتا در خارج از بانتوستانها بیاندازیم.

بهداشت

تمام خدمات بهداشتی، بیمارستانها و کلینیکها برای سفیدان و سیاهپوستان مجزا هستند. از آنجا که سیاهپوستان در آفریقای جنوبی خارجی محسوب میشوند روشن است که دولت خود را مسئول ارتقاء بهداشت و خدمات درمانی برای این بخش از جمعیت آفریقای جنوبی نمیبیند. آمارها در این باره بسیار گویا هستند. آمار تحقیقات کارنیگی* در سال ۱۹۸۴ نشان میدهد که فقط ۵/۵ درصد از پزشکان در آفریقای جنوبی در خارج شهرها (محل زندگی ۵۰ درصد از جمعیت که اکثریت قاطع آن را سیاهپوستان تشکیل میدهند) کار میکنند. در مقابل ۵۰٪ پزشکان آفریقای جنوبی در ژوهانسبورگ و کیپ تاون کار میکنند که مطابق قوانین آپارتاید مناطق سفید بحساب میآیند.

آمار دولتی سال ۱۹۸۳ نشان میدهند که در آفریقای جنوبی توزیع تعداد دکتر برای انسانهای با رنگ پوست متفاوت به قرار زیر است: (۴)

سفیدپوستان	هندی‌الاصل	دورگه‌ها	سیاهپوستان	تعداد افراد تحت پوشش درمانی یک دکتر
۳۳۰	۷۳۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰۰	

* CARNEGIE INQUIRY

در بانتوستانها وضع از این هم خرابتر است. در کشور "مستقل" سیاهپوست ترانسکای برای هر ۱۴۰۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد. این رقم برای بانتوستان بوفوتاتسوانا ۱۷۰۰۰ و برای گازانکولو* ۱۹۰۰۰ نفر میباشد.

آمار مرگ و میر تا یکسالگی در نوزادان نژادهای مختلف که به پارلمان ارائه گشته بدین قرار است.

سپاهپوستان	دورگه ها	هندی الاصل	سفیدپوستان	
۸۰	۵۸/۸	۱۸/۳	۱۴	تعداد مرگهیش از یکسالگی در ۱۰۰۰ نوزاد

مطابق بررسیهای بنیاد کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) آفریقای جنوبی یکی از بالاترین نرخهای مرگ و میر نوزادان نسبت به متوسط درآمد سالانه را داراست. آمار فوق نشان میدهد که تحت نظام آپارتاید در حقیقت رقم بالای مرگ و میر در میان کودکان سیاهپوست است که این نرخ را بالا میبرد. مطابق آمار تحقیقات کارنیگی مرگ و میر ۵۵ درصد از کودکان سیاهپوست زیر ۵ سالگی ناشی از بدی غذا و تغذیه است.

* GAZANKULU

بالاخره باین وضعیت بهداشت روشن است که متوسط عمر انسان هم در نظام آپارتاید چندان یکنواختی در تمام آحاد جامعه نشان نخواهد داد. آمار دولتی برای متوسط عمر در آفریقای جنوبی به قرار زیر است:

سپیدپوستان	هندی الاصل	دورگه ها	سیاهپوستان	
۷۲/۳	۶۳/۹	۵۶/۱	۵۸/۹	متوسط عمر (سال)

یعنی بطور متوسط هر سیاهپوست ۱۳ سال کمتر از یک سفیدپوست عمر میکند. اگر همین آمارها را با کشورهای دیگر (تحت سلطه و متروپل) مقایسه کنیم کاملاً روشن خواهد بود که زندگی و بهداشت سیاهپوستان در آفریقای جنوبی به روال کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و زندگی و بهداشت سفیدپوستان در حد پیشرفتهترین کشورهای متروپل و اروپائی است.

آموزش و پرورش

در تمام مدارس دولتی جدائی نژادها کاملاً رعایت میشود. کودکان از هر رنگ و پوست حق دارند فقط به مدارسی که مختص رنگ پوست آنهاست بروند. فقط به برخی از مدارس خصوصی سفیدپوستان در

سالهای اخیر اجازه داده شده که در کلاسهای خود دانش آموزان غیر سفیدپوست هم بگیرند. این یکی از نشانه‌هایی است که سرمایه‌داری آفریقای جنوبی آماده است برای حفظ جدائی طبقاتی (امری که در تمام جوامع سرمایه‌داری وجود دارد) جدائی نژادی و رنگی را زیر پا بگذارد. غیرسفیدانی که از نظر مالی قادر باشند هزینه مدارس خصوصی سفیدپوستان را پردازند میتوانند برای کودکانشان کیفیت بالایی از آموزش و پرورش را بخرند. ولی برای اکثریت قریب به اتفاق مردم وضع به گونه‌ای دیگر است. آمار پرداختی دولت در سالهای ۸۳ - ۱۹۸۲ برای آموزش و پرورش کودکان از نژادهای مختلف به قرار زیر است:

سپاهپوستان	دورگها	هندي‌الاصل سفیدپوستان	
۱۱۵/۱۹	۵۹۳/۳۷	۸۷۱/۸۷	۱۳۸۵

هزینه پرداختی
سالانه دولت برای
هر دانش آموز
برحسب راند *

* راند واحد پول آفریقای جنوبی است. هر دو راند معادل یک دلار آمریکا (نرخ مبادله ۱۹۸۶) میباشد.

و تعداد معلمان برای آموزش کودکان نژادهای مختلف از این قرار است :

سپاهپوستان	دورگهها	هندی الاصل	سفیدپوستان	
۴۲/۷	۲۶/۷	۲۳/۶	۱۸/۲	متوسط تعداد دانش آموزی که یک معلم برای تدریس دارد

درصد دانش آموزانی که در امتحانات ورودی دانشگاهها موفق میشوند بقرار زیر است (آمار دولتی ۱۹۸۴ - برای سفیدپوستان آمار ۱۹۷۸) :

سپاهپوستان	دورگهها	هندی الاصل	سفیدپوستان	
۱۲/۲۵	۱۴/۹	۴۰	۴۹	درصد دانش آموزانی که در آزمون ورودی دانشگاهها قبول میشوند

مسکن

در خارج از بانتوستانها، یعنی در ۸۷٪ از خاک آفریقای جنوبی که علاوه بر ۴/۵ میلیون سفیدپوست ۱۱ میلیون سیاهپوست، ۲/۷۷ میلیون دورگه و ۸۷۰۰۰۰ هندی‌الصل زندگی میکنند مطابق قانون مناطق [بیژه - م] گروهها جدائی نژادها در مناطق مسکونی رعایت میگردد. اکثریت قریب به اتفاق مناطق مسکونی بر اساس تفاوتهای نژادی متمایز و تفکیک شده‌اند و افراد متعلق به هر یک از نژادها حق زندگی در مناطق دیگر را ندارند.

در مناطق مسکونی شهری تفاوت بین نژادهای مختلف از نظر وسعت، کیفیت، تعداد واحدهای مسکونی در دسترس و پرداختی دولت در این زمینه بسیار زیاد است. در سال ۱۹۸۳ دولت برای هر واحد مسکونی متعلق به سفیدان کم درآمد ۲۸۰۰۰ راند خرج نمود. در همین سال شورای شهر سووتو (شهرک سیاهپوست نشین نزدیک ژوهانسبورگ با ۲ میلیون جمعیت) برای هر واحد مسکونی افراد کم درآمد ۲۰۰۰ راند خرج کرد. وسعت گسترش مناطق مسکونی برای ۵ میلیون سیاهپوست، دورگه و هندی‌الصل معادل ۱۰ درصد وسعت گسترش مناطق مسکونی برای ۱/۶ میلیون سفید پوست در نظر گرفته شده است.

در حالیکه خانوادههای سفید پوست بدون مسکن در آفریقای جنوبی وجود ندارند، آمار دولتی ۱۹۸۳ کمبود واحدهای مسکونی برای سیاهپوستان را در خارج از بانتوستانها ۴۲۰/۰۰۰ واحد اعلام نموده است. کمبود واحدهای مسکونی برای دورگهها (که عمدتاً در کیپ تاون

و ژوهانسبورگ مقیم هستند) ۶۰۰۰ میباشد.

خانههای مسکونی سیاهپوستان در خارج از بانتوستانها مشهور به "قوٹی کبریت" هستند. در این خانههای بلوک سیمانی یا آجری ۴ اتاقه توالت در خارج از خانه قرار داشته و سقف آنها با ماده ارزان قیمت پشم شیشه عایق شده است. بد نیست همینجا متذکر شویم سالهاست که پشم شیشه بعلت خاصیت بسیار بالای سرطان زایی در اغلب کشورهای اروپا و امریکا مادهای خطرناک و ضد سلامتی بشر اعلام گشته و حتی به کارخانهها دستور داده شده که از کاربرد این ماده بعنوان عایق حرارتی خودداری نمایند. اکثر این خانهها فاقد امکانات بهداشتی و مسکونی اولیه از جمله برق هستند. در مقابل کیفیت خانههای مسکونی سفیدپوستان از متوسط خانههای مسکونی در اروپا بالاتر است.

اجاره بهای واحدهای مسکونی سیاهان اصلا با درآمد آنها جور در نمیآید و تقریباً همه دستمزد اکثر کارگران سیاهپوست صرف پرداخت اجاره خانه میشود. در سال ۱۹۸۳ متوسط دستمزد سالانه یک کارگر غیرماهر ساده ۳۵۱ راند بود. در همین سال اجاره سالانه یک خانه از نوع فوق‌الذکر در سووتو ۴۸۳/۶۰ راند بوده است. یعنی دستمزد یک کارگر غیرماهر و ساده حتی کفاف پرداخت اجاره خانه را نمیداد. به این دلیل تقریباً در اکثر خانوادههای سیاهپوستان بیش از یک نفر مجبور به کار کردن هست تا زندگی بخور و نمیری تأمین شود.

تا پیش از سال ۱۹۷۸ سیاهپوستان حق خرید خانه و منزل در هیچ منطقه از آفریقای جنوبی مخصوص سفیدان و خارج از بانتوستانها را نداشتند. در این سال قانون "متمم مناطق شهری" به سیاهپوستان

صاحب صلاحیت اجازه داد تا در شهرکهای سیاهپوست نشین بمدت ۹۹ سال خانه رهن کنند. بعد از تصویب این قانون تا اوایل ۱۹۸۴ حدود ۸۰۰۰ خانه توسط سیاهپوستان رهن شده بود. چندسال پیش پیتر کرونیج*، معاون وزارت توسعه محلات اعلام نمود که دولت امیدوار است "هزاران مالک کوچک" در جمعیت سیاهپوست بوجود بیاورد تا یک "لایه وسیع طبقه صاحب ملک" شکل بگیرد.

اکنون مسئله کنار گذاشتن آپارتاید در عین حفظ نظام سرمایه‌داری در محافل بورژوازی آفریقای جنوبی و خارج از آن مورد بحث داغی قرار گرفته است. تا آنجا که به قانون مناطق [ویژم-م] گروهها برمیگردد مجله اکونومیست در یکی از شماره‌های ماه مارس ۱۹۸۲ پیشنهاد داده بود که این قانون ملغی گردد* چرا که فقر خودش اغلب سیاهان را از مناطق مسکونی سفیدپوستها دور نگه خواهد داشت*.

آنچه که تاکنون گفتیم وضعیت زندگی آن بخش از سیاهپوستان است که در خارج از بانتوستانها کاری پیدا کرده و زندگی میکنند. وضع زندگی در خود بانتوستانها و از جمله ۴ کشور "مستقل" سیسکای، ترانسکای، وندا و بوفوتاتسوانا از اینهم بدتر است.

* PIERRE CRONJE

فصل سوم: آپارتاید و بانتوستانها

پیشتر ما طرح ایجاد بانتوستانها و مکان آنها در مجموعه سیستم آپارتاید را توضیح دادیم. اینجا سعی میکنیم نتایج و بارآمدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این طرح را دراصلیترین وجوهش مورد بررسی قرار دهیم. آخرین آمارهای دولتی آفریقای جنوبی حاکی از اینست که بیش از نصف جمعیت سیاهپوست آفریقای جنوبی تحت فشار دولت مجبور به زندگی در ۱۰ بانتوستانی، که در سراسر آفریقای جنوبی پراکنده اند، هستند. نصف دیگر جمعیت سیاهپوست آفریقای جنوبی فعلا بخاطر اشتغال در کارخانجات، معادن و مزارع سفیدپوستان اجازه یافته اند که در خارج بانتوستانها زندگی کنند. این عده هم در سایر نقاط آفریقای جنوبی از نظر دولت خارجی بحساب آمده و بمحض تمام شدن مدت قرارداد کارشان محکوم به بازگشت به یکی از این بانتوستانها، که از طرف دولت "سرزمین آبا و اجدادی" آنها بحساب میآید، هستند. بنابه تعریف کارگزاران آپارتاید هر سیاهپوستی در آفریقای جنوبی بالاخره باید وابسته به یکی از

از این بانتوستانها شده و تبعه آن به حساب آید. طبق این طرح بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۳، به گفته گروه تحقیق "پروژه مردم اضافی" *، ۳/۵۲۲۹۰۰ نفر از سیاهپوستان از مناطق سفیدپوست نشین بیرون رانده شده و بزور در بانتوستانها ساکن گردیده‌اند.

میلیونها کارگر و زحمتکش سیاهپوست به محض اسکان در بانتوستانها با گوشت و پوست خود تزیینات ناشی از قانون زمین ۱۹۳۶ را احساس خواهند نمود. مطابق این قانون ۱۳/۶ درصد از بدترین زمینهای آفریقای جنوبی (یعنی ۱۰ بانتوستان کنونی) به سیاهان و ۸۶/۴ درصد به سفیدان اختصاص پیدا نمود. مطابق آمار سال ۷۲ فقط ۱۵٪ از زمینهای بانتوستانها یعنی ۳ تا ۵ هزار هکتار آن قابل کشت هست. درحالیکه ۵ میلیون هکتار از زمینهای متعلق به سفیدان قابل کشت و حاصل خیز ارزیابی شده‌اند. جدول زیر بارآوری زمینهای بانتوستانها را نسبت به زمینهای سفیدپوستان در دهه هفتاد نشان می‌دهد: (۵)

تولید سالانه زمینهای سفیدپوستان	احشام (میلیون واحد)	دانه قهوه (میلیون کیسه)	ذرت (میلیون کیسه)
زمینهای سیاهپوستان	۲/۵	۹/۵	۱۰۵/۲
تفاوت	۴/۰	۰/۲	۳/۲
	۳/۵	۸/۸	۱۰۱/۵

* SURPLUS PEOPLE PROJECT

روشن است که این مقدار بازدهی زمینهای بانتوستانها بهیچ وجه کفاف تامین زندگی بخور و نمیر را برای ۱۱ میلیون سیاهپوست ساکن آن نمیدهد. محققین ارزیابی کرده‌اند که در دهه ۷۰ بانتوستانها فقط ۱/۹ درصد از کل تولیدات آفریقای جنوبی را تولید میکرده‌اند. در نتیجه وضعیت زندگی و سطح معیشت اکثریت قریب به اتفاق مردم ساکن بانتوستانها بسیار پایین‌تر از میزانی است که خود دولت آفریقای جنوبی میزان و خط فقر اعلام نموده است.

درصد جمعیتی که زیرخط فقر زندگی میکنند	تعداد جمعیتی که زیرخط فقر زندگی میکنند (میلیون نفر)	کل ساکنین بانتوستانها (میلیون نفر)	
۹۹٪	۴/۱	۵	سال ۱۹۶۰
۸۱٪	۸/۹	۱۱	سال ۱۹۸۰

این آمار دولتی و متعلق به اوایل سالهای ۸۰ هستند. همانطور که مبینید در سال ۱۹۸۰ تعداد ۸/۹ میلیون نفر یعنی ۸۱٪ از کل جمعیت بانتوستانها بنا به آمار دولتی زیر خط فقر زندگی میکرده‌اند. نتیجه این وضعیت همان چیزی است که طراحان و مجریان نظام آپارتاید انتظار داشتند و میخواستند. میلیونها نفر از اهالی بانتوستانها برای تامین

«داقل معیشت خود و خانواده‌هایشان ناچار از مهاجرت موقت به نقاط دیگر آفریقای جنوبی و کار کردن برای سرمایه‌داران هستند و در مواقع بیکاری هم ارتش وسیع بیکاران را تشکیل می‌دهند. مطابق آمار دسامبر ۱۹۷۶ "سازمان غذا و کشاورزی" (وابسته به سازمان ملل) بطور متوسط در هر زمان بین ۳ تا ۴ میلیون نفر از مردان سیاهپوست بانتوستانها بین سنین ۱۵ تا ۵۵ سال مجبور بوده‌اند برای تامین معیشت خود در خارج از بانتوستانها کارگری بکنند.* مابعدا دستمزدها، شرایط کار، زیست و حقوق سیاسی و صنفی کارگران سیاهپوست در خارج از بانتوستانها و سودآوری بسیار بالای آن برای سرمایه‌رأفصل‌تر مورد بررسی قرار خواهیم داد. آنچه که اینجا لازم بود روشن نمائیم نقش بانتوستانها در درجه‌اول بعنوان منبع صدور نیروی کار ارزان و قابل خرید و استفاده توسط سرمایه‌داران و از طرف دیگر بعنوان محل نگهداری و "دفن" آن بخش از جمعیت سیاهپوست است که بیکار گشته و یا بعلت سن پائین و یا پیری و کهنلت قادر به کار تولیدی فعال نمی‌باشند. بانتوستانها ارزشمندترین معادن برای سرمایه‌داری در آفریقای جنوبی هستند. معادن تولید و عرضه‌کننده وسیع نیروی کار ارزان.

* هر زمان هم که سرمایه‌داران در آفریقای جنوبی به این کارگران احتیاجی نداشتند آنها را به بانتوستانها برمیگردانند تا زندگی فلاکت‌بارشان را در شرایطی بدتر از خود آفریقای جنوبی بگذرانند. قبلا گفتیم که بین سالهای ۶۰ تا ۸۳ بطور متوسط سالیانه ۱۵۰ هزار نفر از سیاهپوستان از آفریقای جنوبی به بانتوستانها برگردانده شده‌اند. اتخاذ این سیاست در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ از جانب دولت آپارتاید تشدید گردید.

بهداشت، آموزش و پرورش و مسکن در بانتوستانها

تقریباً در تمامی عرصه‌های زندگی مدنی و اجتماعی وضع در بانتوستانها برای سیاهپوستان خرابتر از خود آفریقای جنوبی است. در بانتوستانها مرگ و میر نوزادان بین ۲۰ تا ۲۵ درصد کل تعداد آنها تخمین زده میشود. یعنی از هر ۱۰۰۰ کودک نوزاد ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر بخاطر بدی تغذیه و فقدان امکانات بهداشتی و درمانی در همان سنن کودکی فوت میکنند. سال ۱۹۸۴ در کمپ اکستون* در بانتوستان سوسکای در این باره آمارگیری شد. ۶۱٪ از افراد مورد پرسش یک یا بیش از یک بچه و بیش از ۳۰٪ آنها ۳ تن یا بیشتر از بچه‌هایشان را در سنین طفولیت از دست داده بودند. میزان مرگ و میر کودکان در بانتوستانها بعلمت بدی تغذیه ۳۱ برابر رقم مربوط به کودکان سفیدپوست است. در بانتوستان سوسکای ۹۰ درصد اهالی روستاها و بیش از ۵۰ درصد کل جمعیت فاقد آب آشامیدنی بهداشتی هستند.

در زمینه آموزش و پرورش آمار سال ۸۳ حاکی از اینست که نزدیک به نصف کل جمعیت سیاهپوست و بیش از نصف جمعیت ساکن بانتوستانها بیسواد هستند. در حالیکه نرخ بیسوادی در سفیدپوستان ۲٪ است. هزینه پرداختی سالانه توسط دولت برای آموزش هر محصل در

* OXTON

بانتوستالها ۹۲ تا ۱۴۴ راند میباشد. متوسط این رقم کمتر از ۱/۰ هزینه پرداختی توسط دولت برای هر محصل سفیدپوست میباشد. وضع مسکن هم در بانتوستالها بهتر از سایر مناطق آفریقای جنوبی برای سیاهپوستان نیست. آمار سال ۱۹۸۳ کمبود مسکن برای سیاهپوستان در مناطق غیر از بانتوستالها را ۴۲۰/۰۰۰ واحد برآورد کرده است. گزارش به پارلمان آفریقای جنوبی در ۱۹۸۳ در مورد وضع مسکن در بانتوستالها حاکی از آن بود که تا سال ۱۹۸۸ کمبود ۵۰۰/۰۰۰ واحد مسکونی خواهد بود. وضع امکانات رفاهی و بهداشتی در مناطق مسکونی بانتوستالها بمراتب بدتر از شهرکهای سیاهپوست نشین در سایر نقاط آفریقای جنوبی است.

درآمد سکنه و دولت بانتوستالها

در سال ۱۹۸۴ گزارش به پارلمان آفریقای جنوبی حاکی از آن بود که تولید خالص سرانه ملی سالانه (با در نظر داشتن سطح قیمتهای ۱۹۷۰) در بانتوستالها در سال ۱۹۷۰ معادل ۴۰ راند (تقریباً ۲۸۰۰ تومان) بوده است. این رقم ۱۰ سال بعد در ۱۹۸۰ به ۴۶ راند (تقریباً ۳۲۲۰ تومان) رسید. مطابق آماری که به پارلمان ارائه شده تعداد آدمهای مغلوک (بدون شغل، بدون حق بازنشستگی، بدون زمین و بدون حشم) در بانتوستالها از ۲۵۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۹۶۰ به ۱/۴۳ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ رسیده است. طبیعی است که این سطح تولید

داخلی نه کفاف زندگی ساکنین بانتوستانها را میدهد و نه امکان تامین هزینه بوروکراسی دولت محلی و سرکوب اعتراضات کارگران را برای بورژوازی فراهم میآورد. تخمین زده میشود که در سال ۱۹۸۰، ۲۲٪ کل در آمد ملی بانتوستانها را دستمزد کارگران سیاهی تامین کرده که در مناطق خارج از بانتوستانها کار میکردند. درصد بیکاری در بانتوستانها کاملاً روشن نیست و رقمی بین ۲۵ تا ۳۵ درصد سکنه قادر به کار بانتوستانها تخمین زده میشود. برای راه انداختن و تامین دولتهای دست نشانده بانتوستانها دولت آفریقای جنوبی حدود ۹٪ از کل بودجه سالیانه اش یعنی معادل ۲/۲ میلیارد راند اختصاص داده است. طبیعی است که اصلی ترین وظیفه این حکومتها محلی کمک به حفظ نظام آپارتاید در کل آفریقای جنوبی است. از این نظر بخش هنگفتی از بودجه سالانه این حکومتها صرف تامین بوروکراسی، ارتش و پلیس محلی میشود. برای مثال در بانتوستان "مستقل" ترانسکای حدود ۳۶٪ بودجه دولتی سال ۸۴ - ۱۹۸۳ صرف امور اداری و دولتی شده است.

حقوق سیاسی و دموکراتیک در بانتوستانها

بنا به تعریف بانیان آپارتاید قرار بوده که سیاهپوستان حق رای دادن و حقوق سیاسی و شهروندی خود را در بانتوستانها بدست آورند. نگاهی به اوضاع واقعی سیاسی در بانتوستانها مهمل بودن این ادعای رژیم آپارتاید را کاملاً نشان میدهد. از نظر حقوق دموکراتیک و سیاسی

وضعیت ساکنین بانتوستانها حتی بدتر از سیاهپوستانی است که در سایر نقاط آفریقای جنوبی زندگی میکنند. تمام سازمانهای ضد آپارتاید مانند "کنگره ملی آفریقا" (ای.ان.سی.)* و "سازمان مردم آزانها" (آزاپو)** در بانتوستانها هم غیرقانونی هستند. بدون استثناء نیروهای سرکوب تمام حکومتهای محلی با رزمندگان ضد آپارتاید درگیری داشته و در دستگیری، شکنجه و کشتار مبارزین ضد آپارتاید از خود دولت مرکزی مصرتر هستند. حتی "جبهه متحد دموکراتیک" (یو.دی.اف.)*** که یک جریان لیبرال مخالف آپارتاید است و در خود آفریقای جنوبی فعالیت علنی دارد در برخی از بانتوستانها غیر قانونی بحساب میآید و عضویت در آن جرم شناخته میشود. از سال ۱۹۶۰ تاکنون بجز ۸ ماه در بانتوستان "مستقل" ترانسکای "وضعیت اضطراری" حاکم بوده است. از نظر رعایت حقوق دموکراتیک و صنفی هم وضع بهتری در بانتوستانها وجود ندارد. برخی از اتحادیههای کارگری که در آفریقای جنوبی قانونی شناخته شده و فعالیت علنی دارند در بعضی از بانتوستانها غیر قانونی هستند. برای مثال در سیسکای اعتصاب و دعوت به اعتصاب اعمالی خلاف قانون بحساب میآیند. "اتحادیه مؤلف کارگران آفریقای جنوبی" (ساوو)**** در خود آفریقای جنوبی قانونی است و در بانتوستان سیسکای

* AFRICAN NATIONAL CONGRESS

** AZANIAN PEOPLE'S ORGANISATION (AZAPO)

*** UNITED DEMOCRATIC FRONT (U.D.F.)

**** SAAWU

غیر قانونی. رهبران این اتحادیه بارها در این بانتوستان دستگیر و زندانی شده‌اند. اجرای این قوانین بعضی مواقع پدیده‌های مضحکی به بار می‌آورد. مثلاً در سیسکای عده‌ای از کارگران در نزدیکی مرز با آفریقای جنوبی زندگی میکنند. این کارگران روزها برای کار به آنطرف مرز می‌روند و شبها به منازلشان در سیسکای برمیگردند. این کارگران اکثراً عضو سندیکای ساوو هستند که مطابق قوانین آفریقای جنوبی جرمی بحساب نمی‌آید. ولی شبها که به سیسکای برمیگردند دیگر نباید ادعای عضویت در این اتحادیه را بکنند چون علیه قوانین سیسکای است.

فصل چهارم: آپارتاید و طبقه کارگر در محیط کار

در فصل قبل چگونگی سیر سلب مالکیت از سیاهپوستان و تبدیل آنها به کارگران مزدی را توضیح دادیم. نظام سرمایه‌داری بویژه از سال ۱۹۴۸ در آفریقای جنوبی رشد کرده و هم اکنون این نظام و مناسبات اقتصادی - اجتماعی آن در تولید و توزیع و کل جامعه کاملاً غالب است و عمل میکند. جمعیت شهرنشین در آفریقای جنوبی ۵۰٪ کل آن را تشکیل میدهد. اگر آمارهای ارائه شده (مربوط به سال ۱۹۷۷) توسط کمیسیون بررسی دولتی ویهان* در سال ۱۹۷۹ را ملاک قرار دهیم آرایش کل نیروی کار در بازار این کشور با جمعیت حدود ۲۹ میلیون نفر (در همان سال) بقرار زیر خواهد بود.

* WIEHAHN

جمع	سیاهپوست	دورگه و هندی الاصل	سفیدپوست	
۱۰۰	۲۰/۵	۱۰/۸	۱۸/۷	درصد نیروی کار (کارکنان) تعداد نیروی کار (کارکنان) (میلیون نفر)
۷/۴	۵/۲۶	۰/۷۶	۱/۳	

قطعا در ۱۰ سال گذشته این ارقام بطور نسبی افزایش یافته و هم اکنون جمعیت کارکن بیش از ۹ میلیون نفر است. با توجه به اینکه مطابق آمار دولتی در سال ۱۹۸۱ فقط ۱۸٪ از کارکنان یقه سفید (کسانی که کارهای غیر یدی و عمدتا فکری مانند مدیریت و سرپرستی در سطوح مختلف و کارمندی و غیره میکنند) را سیاهپوستان تشکیل میداده‌اند روشن میشود که اکثریت قاطع جمعیت شاغل سیاهپوست را کارگران یدی مزدبگیر تشکیل میدهد. حال به این ارقام اگر ۳ میلیون نفر کارگران بیکار بانتوستانها را هم اضافه کنیم جمعیت طبقه کارگر آفریقای جنوبی را حدود ۹ تا ۱۰ میلیون نفر میتوان برآورد نمود. از این رقم قطعا ۸ میلیون نفر کارگر مزدبگیر سیاهپوست و حداقل ۱ میلیون نفر هم کارگران مزدبگیر دورگه و هندی هستند. کشوری که از جمعیت ۳۰ میلیون نفری آن ۹ تا ۱۰ میلیون نفرش را کارگران مزدبگیر تشکیل میدهند قطعا کشوری با مناسبات سرمایه‌داری پیشرفته و پلاریزاسیون طبقاتی بالا بحساب میآید. در سال ۱۹۸۴ قریب به ۵۶ درصد از جمعیت آفریقای جنوبی

در سنين اشتغال و فعاليت توليدي قرار داشتند. آمار مربوط به توزيع جمعيت فعال در بخشهای مختلف توليد و خدمات در سال ۱۹۸۰ به قرار زير است: (۶)

خدمات	صنعت	کشاورزی	کل جمعيت فعال (۱۰۰)
۴۸	۳۵	۱۷	

درآمد و دستمزد طبقه کارگر

مطابق آمار سال ۱۹۸۴ متوسط دستمزد کارگران سیاه و سفید در بخشهای مختلف، توليد، توزيع و خدمات در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۸۳ بقرار زير بوده است: (۷)

ساختمان	برق	توليدات صنعتی	معين	کارگران	متوسط حقوق ماهانه در سال ۱۹۷۳ (واحد راند)
۷۱	۸۶	۷۲	۲۹	سیاهپوست	
۴۱۴	۴۲۹	۳۸۶	۴۷۱	کارگران سفیدپوست	
۲۸۶	۴۲۹	۳۸۱	۲۸۶	کارگران سیاهپوست	متوسط حقوق ماهانه در سال ۱۹۸۳ (واحد راند)
۱۵۱۴	۱۴۷۱	۱۴۷۱	۱۵۲۹	کارگران سفیدپوست	

کارگران و آپارتاید در آفریقای جنوبی

خدمات	مالی	ارتباطات و حمل و نقل	تجارت		
۵۸	۸۶	۷۱	۵۷	کارگران سیاهپوست	متوسط حقوق ماهانه در سال ۱۹۷۳ (واحد راند)
۴۲	۳۴۲	۳۵۷	۲۷۱	کارگران سفیدپوست	
۳۰۰	۴۵۷	۳۱۴	۲۲۹	کارگران سیاهپوست	متوسط حقوق ماهانه در سال ۱۹۸۳ (واحد راند)
۱۰۸۶	۱۱۱۴	۱۱۱۴	۹۸۶	کارگران سفیدپوست	

باز هم بنابه آمار دولتی نسبت متوسط دستمزد کارگران نژادهای مختلف در سال ۸۳ به ترتیب زیر است :

سیاهپوستان	دورگها	هندی الاصل	سفیدپوستان	
۲۵/۴	۲۳/۸	۴۸/۵	۱۰۰	متوسط درآمد شاخص ۱۰۰ برای سفیدپوستان در سال ۱۹۸۴